گزارش روز

قصه‌های صوتی سواد مالی منتشر می‌شود

داستان مجموعه قصه‌های صوتی سواد مالی در شهری به نام «دایناشهر» رخ می‌دهد که اهالی آن دایناسورها هستند و در هر قسمت به موضوعاتی چون پس‌انداز، خرید هوشمندانه، بودجه‌بندی، کار و کسب درآمد، سرمایه‌گذاری، بیمه و بانک پرداخته می‌شود. کمیل رودی، مدیر آکادمی هوش مالی در مراسم رونمایی از قصه‌های صوتی سواد مالی ضمن اعلام این خبر گفت: سواد مالی یکی از مهارت‌های ضروری فردی مورد نیاز در عصر حاضر است که در اغلب کشورها کودکان و نوجوانان مهم‌ترین مخاطبان یادگیری آن هستند. وی افزود: برخلاف مفاهیم اقتصادی که به‌نظر پیچیده و کلان می‌رسد، سواد مالی به‌صورت کاربردی افراد را با روش درست مدیریت دخل و خرج و گرفتن تصمیم‌های اقتصادی صحیح آشنا می‌کند. مدیر آکادمی هوش مالی گفت: آموزش سواد مالی در سنین کودکی و نوجوانی از طریق قصه‌گویی انجام می‌گیرد. چراکه آنها با قهرمان‌های داستان همذات‌پنداری می‌کنند و مفاهیم به‌خوبی در ذهن آنها نقش می‌بندد. رودی در پایان به همکاری با مجموعه دانش‌بنیان آی‌قصه اشاره کرد و گفت: آموزش سواد مالی پیش از هرچیز نیازمند تهیه منابع ارزشمند آموزشی است و آکادمی هوش مالی به‌عنوان نهادی تخصصی در جریان شش سال فعالیت خود نزدیک ۱۵۰ جلد کتاب منتشر کرده یا در دست نشر دارد. همکاری با نهادهای موفق و تخصصی دیگر مانند آی‌قصه زمینه‌ساز گسترش کمی و کیفی هر چه بیشتر سواد مالی در کشور است. عالمی، مدیرعامل آی‌قصه نیز گفت: این قصه‌های صوتی در چهار فصل و هر فصل ۱۰ قسمت تهیه شدند و اولین قسمت ۲۲ اسفندماه در اپلیکیشن آی‌قصه رونمایی و منتشر می‌شود تا کودکان در تعطیلات سال نو بتوانند از آنها استفاده کنند.

وی افزود: ما معتقدیم هر قصه، تجربه زیستن در دنیای تازه‌ای را به کودکان می‌دهد و به آنها کمک می‌کند تا با همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان، احساسات و هیجانات گوناگونی را تجربه کنند و قدرت تخیل و رؤیاپردازی‌شان افزایش



یابد. وی با تأکید بر اهمیت جذابیت قصه گفت: مهم‌ترین ویژگی داستان، سرگرم‌کنندگی آنها برای بچه‌هاست. این سرگرم‌کنندگی البته توأم با کیفیت خوب متن و صدا و تصویر است. اگر محتوای قصه‌ها و کیفیت تولید و اجرا خوب باشد کودکان هم جذب خواهند شد وگرنه اگر فقط پیام‌دار بودن اثر، ارزش محسوب شود، کودکان کار را پس می‌زنند. امیدوارم دایناشهر بچه‌ها را جذب دیم‌دیم و شخصیت‌هایش کند.

عالمی ضمن تشریح فرایند آماده‌سازی این مجموعه گفت: در ابتدا ایده‌های متنوعی درباره چند شهر مختلف با موجودات مختلف از سوی نویسنده این مجموعه پیشنهاد شد که از بین آنها، ایده دایناشهر و دایناسورها انتخاب شد؛ چراکه دایناسورها همیشه مورد توجه بچه‌ها هستند. از طرفی ویژگی‌های ظاهری دایناسورها به خلق یک دنیای تخیلی کمک می‌کرد. او در توضیح مشخصه‌های دایناشهر، قصه‌های سواد مالی کودکان گفت: انتقال اطلاعات مفید و غیرمستقیمی که در خلال زندگی چند دایناسور به مخاطب منتقل می‌شود یکی ویژگی اصلی این مجموعه است؛ این‌که کودکان (و حتی بزرگ‌ترها) بتوانند با شنیدن این داستان‌ها، دانش سواد مالی خود را افزایش دهند، اتفاق خوبی برای خانواده‌ها خواهد بود. عالمی ادامه داد: تیم تحریریه آی‌قصه در دو سال گذشته ۵۰۰ قصه صوتی سرگرم‌کننده برای کودکان فارسی‌زبان سراسر دنیا تولید و منتشر کرده است. این قصه‌ها در زمینه‌های مختلفی همچون علمی، آموزشی، تربیتی و ... است. اپلیکیشن آی‌قصه رتبه اول اپلیکیشن کودک به زبان فارسی است و ۱۵۰ هزار نصب دارد و مورد توجه کارشناسان و خانواده‌ها قرار گرفته است. به‌همین دلیل آی‌قصه به‌عنوان تولیدکننده قصه‌های استاندارد شناخته می‌شود و همین موضوع باعث همکاری‌های بین‌سازمانی در حوزه تولید قصه برای کودکان شده است. وی در پایان گفت: نویسنده این مجموعه فریناز مختاری، آهنگساز بامداد افشار، راوی آزاده مؤیدی‌فرد، گویندگان پیمان فاطمی، یاشار ابراهیمی، اکرم عبدی، مهسا نوروزی و آزاده مؤیدی‌فرد، تنظیم صدا مهدی مجنونی و طراح شخصیت‌ها مجتبی حیدرپناه بوده است.

«ریست» به جشنواره متروپلیس ایتالیا راه یافت



فیلم سینمایی «تعارض» به کارگردانی محمدرضا لطفی و تهیه‌کنندگی سیدامیر سیدزاده که با نام «ریست» راهی جشنواره‌های خارجی شده است در ادامه حضور در رویدادهای بین‌المللی خود به دومین دوره جشنواره متروپلیس ایتالیا در میلان راه پیدا کرد. این جشنواره در ماه می ۲۰۲۲ در شهر میلان برگزار می‌شود.

رئیس جدید موزه هنرهای معاصر معرفی شد



محمود سالاری، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی حکمی عبادرضا اسلامی‌کولایی را به‌عنوان رئیس جدید موزه هنرهای معاصر تهران منصوب کرد. ریاست فرهنگسرای نیاوران، معاونت اداری، مالی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان، مدیریت کل پشتیبانی شرکت بازرگانی دولتی ایران، قائم‌مقام و معاونت موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و ... از سوابق اسلامی است.

نشستی با چند تن از نویس

نشر جام ج



ظهر یکی از روزهای پایان سال م
منتشر کرده گپ بزنند. خود این ج
چندساله نشر جام جم و شرایط و
دوم رسیده آن هم با تیراژ هزار نس
کنند تا ضمن نقد و نظر درباره کار
حمیدرضا شاه‌آبادی، رضا امیرخا
مهدی قزلی، مدیر نشر جام جم ح

آرش شفاعی
فرهنگ و هنر

عکس: مجید آزاد

حمیدرضا شاه‌آبادی:



ما خیلی شنیده‌ایم در خارج از کشور مردم زیاد مطالعه می‌کنند. برخی دوستان هم تعریف می‌کنند که بارها دیده‌اند وقتی در ایستگاه اتوبوس مردم می‌ایستند کتاب‌هایشان را باز می‌کنند و اگر در ایستگاه پیاده شوند کتاب‌شان را می‌بندند، باز در ایستگاه بعدی کتاب می‌خوانند یا در ژاپن مردم درحالی‌که یک دست‌شان به میله اتوبوس یا مترو است در دست دیگرشان کتاب است و دارند کتاب مطالعه می‌کنند. این را می‌گویند و نتیجه می‌گیرند که مردم آنها کتاب می‌خوانند و مردم ما نمی‌خوانند اما هیچ‌وقت فکر نکرده‌ایم که این چگونه کتابی است که در فواصل کوتاه چنددقیقه‌ای می‌شود بخشی از آن را خواند و باز ادامه آن را چند دقیقه بعد خواند.

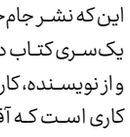
درواقع یک ژانری و یک نوع کتاب در آنجا هست که به این صورت می‌شود آنها را خواند. این اتفاق باید در کشور ما بیفتد که حس من این است با کتاب‌هایی شبیه کتاب‌های نشر جام جم دارد اتفاق می‌افتد. یک جور جستارنویسی و مطالعه و دریافت‌های شخصی را ارائه کردند که مردم بتوانند حتی در شلوغی قطار و اتوبوس هم آنها را بخوانند. این را ما قبلا نداشتیم و خوشحالم که دارد آرام‌آرام شکل می‌گیرد. مثلا ما یک عده فیلسوف داریم که فلسفه به ماهو فلسفه را ارائه می‌کنند.

یک‌سری افراد هم هستند که از دل فلسفه آنها متونی را بیرون می‌کشند که می‌تواند مورد استفاده عموم قرار گیرد. مثلا خواندن شوپنهاور برای خیلی‌ها سخت است اما نویسنده‌ای پیدا می‌شود مثل جولیان بارنز که فلسفه سوگ را از مباحث سقراط یا ارسطو یا جاهای دیگر می‌گیرد و به شکل یک متن خواندنی در اختیار مردم می‌گذارد. ما هرچه بیشتر بتوانیم علم و زندگی را ساده کنیم و در قالب متن قابل‌فهم در اختیار مردم قرار دهیم، موفق‌تریم. در کشور ما مطالعه امری جدی و عبوس است که باید در یک محیط خاص در کمال سکوت و با عینک ته‌استکانی همراه باشد و این البته برای همه فراهم نیست.

از بین کتاب‌های نشر جام جم آنهایی که من خواندم کتاب‌هایی مثل «دوجان» یا «قربانی شهریور» این‌گونه است که درباره مسائلی که همه تجربه دارند حرف می‌زنند و مردم در اتوبوس و مغازه هم می‌توانند آنها را بخوانند. کتاب «ویولن‌زن روی پل» هم که بی‌نظیر بود. کتاب آقای باباخانی واقعا کتاب تکان‌دهنده‌ای بود و مرا به درک جدیدی از مقوله اعتیاد و افراد معتاد رساند و از دیروز که کتاب را خواندم، واقعا تکان خوردم و ترسیدم. این مضمون کلی کتاب است. ماخودمان بچه جنوب‌شهریم و معتاد کم ندیده‌ایم ولی واقعا قبل از خواندن این کتاب نمی‌دانستم اعتیاد چیست؟ این کتاب برای من تصویر جدیدی از این مقوله ایجاد کرد ضمن این‌که کتاب خیلی هم روانخوان است و من خودم در یک روز ۸۰ صفحه و در یک روز دیگر بقیه کتاب را خواندم. به‌عنوان یک کتاب خواندنی که بار ادبی هم دارد و خیلی از توصیف‌ها و نظرهایی که نویسنده می‌دهد دارای بار ادبی است و این‌گونه نیست که خواننده احساس کند دارد یک کتاب ساده بدون ارزش ادبی را می‌خواند.

> **شاه‌آبادی:**
> کتاب آقای باباخانی واقعا کتاب تکان‌دهنده‌ای بود و مرا به درک جدیدی از مقوله اعتیاد و افراد معتاد رساند و از دیروز که کتاب را خواندم، واقعا تکان خوردم و ترسیدم

داوود امیریان:



من کتاب «موتورسوار چمران» را خواندم و خیلی لذت بردم. کتاب آقای باباخانی را هم در مدرسه‌ای که با بچه‌ها نویسندگی خلاق کار می‌کنم، توصیه کردم. بچه‌ها که دانش‌آموزان تیزهوشان هستند و ذهن مهندسی دارند، همگی کتاب را خریده و از کتاب خوش‌شان آمده است.

کتاب «چمدان‌های باز» را هم خوانده‌ام و به نظرم یک مقداری اضافه دارد اما کار خواندنی و خوبی است. کتاب «قربانی شهریور» را هم یک‌سومش را خواندم و یاد زمان مستأجری خودم افتادم. «دوجان» هم به نظرم کار خیلی خوبی است. یک خوبی این کتاب‌ها این است برای کسی که می‌خواهد داستان بنویسد خیلی به‌درد می‌خورد.

مثلا کتاب «وطن‌دار» که کتاب خیلی خوبی هم هست، چنین ویژگی‌ای دارد. کتاب‌ها خوب و خوشخوان است و وقتی کسی آنها را دست می‌گیرد، تا آخرش را می‌خواند. در مجموع به دوستان نشر جام‌جم برای انتشار این کتاب خسته نباشید می‌گویم و از آنها تشکر می‌کنم.

رضا امیرخانی:



پیدا کردن این‌همه آدم حرفه‌ای در یک مدت کم، کار خیلی بزرگی بوده است و آقای قزلی از تجربیات و ارتباطات قبلی و فعلی خودش استفاده کرده و توانسته است این افراد را دور خودش جمع کند. کار مهم این است و اهمیت این را کسانی که کار نشر کرده‌اند درک می‌کنند و آن این که نشر جام‌جم فراخوان نداده است که ما می‌خواهیم یک‌سری کتاب در این حوزه منتشر کنیم بلکه رفته است و از نویسنده، کار را بیرون کشیده است و این مثل همان کاری است که آقای جعفری در انتشارات امیرکبیر انجام می‌داده است. دفتر ادبیات و مقاومت حوزه هنری هم در یک دوره‌ای این کار را انجام می‌داد.

درواقع روایت اصلی این کارها به نظر من متعلق به آقای قزلی است. درست مثل همان حرفی که آقای جعفری در شکایت آخرش گفته بود که وقتی دارید کتاب‌های مرا منتشر و تجدیدچاپ می‌کنید در حقیقت دارید روایت مرا استفاده می‌کنید و این را نمی‌توانید از من بگیرید. اگر این کتاب بد بوده است چرا منتشرش می‌کنید، الان هم که دارید منتشر می‌کنید، یک قسمتی از این کتاب مال من است چون من رفته‌ام و این کتاب را از نویسنده بیرون کشیده‌ام. برای مثال سهمی از کتاب آقای باباخانی به آقای قزلی تعلق دارد چراکه اگر او به آقاخسرو فشار وارد نیاورده بود چه‌بسا ایشان اصلا کتاب را نمی‌نوشت.

ابراهیم زاهدی‌مطلق:



کتاب‌ها را وقتی آدم می‌بیند بدون این‌که اسم کتاب‌ها و نویسنده‌ها را ببینیم، آقای قزلی را می‌بینیم. او خودش و نویسندگی و مدیریتش را پای این کتاب‌ها گذاشته است مثل یک نشر خصوصی. من می‌خواستم زمانی به آقای قزلی بگویم شما این‌قدر در این کار غرق شده‌ای که کار اصلی خودت را از یاد برده‌ای. چون کار اصلی آقای قزلی یعنی نویسندگی و روایت‌نویسی خودش یک کار مستقل و مهم است. کتاب خودش هم در این مجموعه، یعنی «شریان‌مکران» مهندسی‌شده‌ترین کار است و بدون تعارف می‌گویم آن کتاب را به این خوبی نوشتن فقط از آقای قزلی یا کسی مانند آقای امیرخانی برمی‌آمد که هم نویسنده‌اند و هم مهندسی خوانده‌اند و اگر من را برای نوشتن این کار ۱۰بار هم می‌فرستادند، نمی‌توانستم آن را بنویسم.

کتاب‌ها همه‌شان خوب هستند اما یکی از کتاب‌هایی که با بقیه فرق می‌کند، «متاستاز اسرائیل» است که مدل نوشتن آن اصلا فرق می‌کند و آن هم به خاطر خود کوروش علیانی است که نویسنده‌ای است که فنی و علمی و دقیق می‌نویسد. انصافا برای کتاب زحمت کشیده است و خواننده این را می‌فهمد. علیانی در مقدمه همین کتاب هم اشاره می‌کند که ایده کتاب را در یکی دو جلسه گفت‌وگو با آقای قزلی درآورده است.

یک نکته هم درباره کتاب «در سرزمین مردمان نجیب» بگویم. هفته قبل با آقای احمد دهقان مفصل صحبت کردیم و شاید حرف‌هایی که من می‌زنم، حرف ایشان هم باشد. به آقای دهقان گفتم یک وقت هست من یک کتابی به یکی سفارش می‌دهم و اسمش را هم انتخاب می‌کنم و خودم هم به خودم می‌گویم بارکا...! ولی پیدا کردن کتابی از یک نویسنده آن‌هم با این اسم مهم است. نویسنده‌ای خارجی آمده ایران را گشته است، کتابش را نوشته است و اسمش را گذاشته «در سرزمین مردمان نجیب». همین که آقای قزلی این را پیدا کرده است خودش یک امتیاز است.

درباره کتاب آقای باباخانی دو نکته را می‌خواهم عرض کنم. چون آقای باباخانی داستان‌نویس است، تعلیق را خوب می‌شناسد. ما در داستان می‌گوییم که اثر باید کشمکش داستانی داشته باشد و هرچه جلوتر می‌رویم این کشمکش بیشتر و شدیدتر می‌شود. مصیبت‌هایی که بر سر نویسنده می‌آید و به‌صورت مداوم بیشتر هم می‌شود، رفتار پلیس، دکتر و ... هرچه جلو می‌رویم بیشتر می‌فهمیم که این فرد چقدر دارد درد می‌کشد. یک جایی اصلا خسرو را از این کتاب جدا می‌دیدم و آن آدم را می‌دیدم و با خواندن این کتاب، خسرو یک بار دیگر برای ما بازخوانی می‌شود. افراد جامعه به او بی‌اعتماد می‌شوند و دیگر حتی قسمش را هم کسی باور نمی‌کند، اینها دردهایی است که دارد می‌کشد و ما می‌فهمیم. به‌نظر من خسروباباخانی، جانباز این کتاب شده است.

خانم من به‌صورت تصادفی این کتاب را دست من دید و پرسید داستان است؟ و من خلاصه‌ای از کتاب را برایش تعریف کردم. کتاب را از من گرفت و در عرض یک روز و نیم در حین کارهای خانه، آن را تمام کرد و بعد به من گفت شماره خانم آقای باباخانی را از ایشان بگیر تا من با خانمش صحبت کنم. یعنی این‌قدر این کتاب برایش مسأله شد و تصمیم گرفت از خانم آقای باباخانی برای این رنج و همراهی بی‌نظیرش تشکر کند.

درباره «موتورسوار چمران» هم باید بگویم وقتی کتاب را می‌خوانی کاملا احساس می‌کنی یک نفر از نسل جدید این کتاب را نوشته است. ریتم تندی که کتاب دارد این را کاملا نشان می‌دهد، دقیقا ریتم یک جوان ۲۰ ساله را دارد. معمولا این جور کتاب‌ها یک طمأنینه‌ای دارد، چون یک جانباز یا رزمنده‌ای که الان ۶۰-۵۰ سال دارد، آن را روایت کرده است و یک نفری در سن و سال من هم رفته با او مصاحبه کرده

در جشن تولد مؤلف کتاب «ویولن‌زن روی پل» بیان شد

شهامت ستودنی نویسنده



عکس: مجید آزاد



احمدرضا معراجی
فرهنگ و هنر

مراسم جشن دوستان خسرو باباخانی برای انتشار کتاب «ویولن‌زن روی پل» با حضور این نویسنده و محمدرضا زائری، حبیب احمدزاده، رضا امیرخانی، محمود جوانبخت، علیرضا سبحانی، محسن مومنی‌شریف، محمد حمزه‌زاده، محمدرضا شرفی‌خبوشان، ابراهیم زاهدی‌مطلق، داوود امیریان، احسان رضایی، محمد ناصری، حمید محمدی، محمد ناصرزاده، مهدی قزلی و محمدمهدی دادمان، عصر روز یکشنبه در کافه کتاب سمیه برگزار شد.

در ابتدای این مراسم محمود جوانبخت، مستندساز و داستان‌نویس ضمن تشکر از مهمانان برای حضور در این جشن گفت: ما دور هم جمع شدیم تا به خسرو باباخانی به‌دلیل همت و اراده‌ای که داشته، بگوییم دست مریزاد! این یک رونمایی از کتاب جدید خسرو نیست، ما به‌عنوان دوستان خسرو تصمیم گرفتیم که دور هم جمع شویم و خاطرات‌مان را با خسرو باباخانی مرور کنیم و کمی درباره کتاب ویولن‌زن روی پل با هم گفت‌وگو کنیم.

در ادامه این جشن حجت‌الاسلام محمدرضا زائری گفت: من شخصا به این جلسه آمدم تا دست خسرو باباخانی را ببوسم. من جوزده نیستم و این حرف، حرف دل من است. باید بگویم که اگر نشر جام‌جم راه افتاد که فقط همین یک کتاب را به چاپ برساند این راه‌اندازی به چاپ همین یک کتاب می‌ارزد و اگر باباخانی نویسنده شد تا کتاب بنویسد همین یک کتاب برای کل دوران نویسندگی او کافی است. خسرو باباخانی با کتاب ویولن‌زن روی پل بزرگ‌ترین شاهکار نویسندگی خود را خلق کرده است.

وی ادامه داد: در صحبتی که با دوستان داشتم به جنبه اجتماعی این کتاب و اثری که می‌تواند در جامعه داشته باشد اشاره کرده‌ام. ما هرکدام کارهایی کرده‌ایم که اگر بتوانیم به عقب و گذشته بازگردیم دوست داریم پاک‌کن برداشته و این گذشته را پاک کنیم. به کمتر افرادی این فرصت داده می‌شود تا گذشته خود را جبران کنند و قطعا خسرو باباخانی جزو این افراد است. ای‌کاش به من هم این فرصت داده شود تا بتوانم بازگردم و گذشته خود را جبران کنم. امیدوارم این آگاهی از رفتارهای گذشته نصیب همه ما شود و دست‌گیری فرشتگان دست‌گیر شب احیاء نصیب همه ما شود.

محسن مومنی‌شریف، رئیس سابق حوزه هنری که یکی دیگر از مهمانان این جشن بود در ادامه این جلسه با اشاره به نقطه‌عطفی که در زندگی خسرو باباخانی پیش آمده، گفت: کتاب ویولن‌زن روی پل یک نقطه‌عطف در زندگی خسرو باباخانی است. کتاب صداقت و زلالی خسرو را به روایت درآورده است. امیدوارم خدا به خسرو و خانواده‌اش در همه مراحل زندگی شادکامی عنایت کند.

در ادامه این جشن و جلسه تقدیر هرکدام از دوستان خسرو باباخانی و نویسندگان حاضر خاطراتی از او و دوران دوستی‌شان بیان کردند و به محتوای کتاب ویولن‌زن روی پل اشاره داشته و از تاثیرات آن گفتند.

یک کتاب گیرا

پس از این صحبت‌ها و تعریف خاطرات، مهدی قزلی، ناشر این کتاب درباره چگونگی نگارش و نشر کتاب ویولن‌زن روی پل اظهار کرد: خوشحالم که من هم در انتشار این کتاب سهم کوچکی داشته‌ام. در صحبت‌هایی که با خسرو باباخانی قبل از انتشار این کتاب داشتم به او گفتم که فکر می‌کنم تجربه‌های تو می‌تواند به دیگران کمک کند. نکته جالبی درباره کتاب ویولن‌زن روی پل وجود دارد و این نکته جالب این است همگی دوستانی که این کتاب را خوانده‌اند به من پیام دادند و گفته‌اند وقتی شروع به خواندن این کتاب کردیم دیگر نتوانستیم آن را زمین بگذاریم و تا پایان خواندن آن را ادامه دادیم. به‌واقع این کتاب به‌قدری گیراست که مخاطب را با خود همراه می‌کند و دوست دارد به سرعت تا پایان آن را بخواند. چنین کتاب‌هایی راه نجات دلواپسان و مسؤولان کتابخوانی در کشور است.

وی ادامه داد: خوشحالم که بگویم کتاب ویولن‌زن روی پل به چاپ دوم رسیده است. این کتاب طی ۴۰ روز به چاپ دوم رسید و نشر جام‌جم هم ۱۰۰روز است که راه‌اندازی شده و این یک اتفاق خوشایند برای نشر جام‌جم و این کتاب است.

محمدرضا شرفی‌خبوشان از دیگر حاضران در جلسه نیز گفت: سرم را که از کتاب بلند کردم، دیدم دو ایستگاه را رد کرده‌ام! همان شب، ادامه ویولن‌زن روی پل را خواندم و تمامش کردم. کسی که این کتاب را نوشته، چیزهای زیادی به‌دست آورده است و این کتاب، فصل تازه‌ای در «از خود گفتن» است. انسان ایرانی اهل از خود گفتن و اعتراف نیست و این کتاب، نمونه‌ای بارز در این‌گونه ادبیات خواهد بود. این‌که نویسنده با داشته‌های تمدنی و باور به سمت نجات رفته است، حرف تازه این کتاب است. اگر دقیق باشیم، ویولن‌زن روی پل فتوت‌نامه، عرفان اسلامی و نقد روشنفکران ایرانی را در دل خود دارد.

مهدی دادمان، رئیس حوزه هنری هم در وصف خسرو باباخانی و کتاب ویولن‌زن روی پل گفت: به خسرو باباخانی تبریک عرض می‌کنم و به این شجاعت در روایت احسنت می‌گویم. این‌که خسرو باباخانی توانسته سفری را که برای رهایی داشته است روایت کند امری بسیار ستودنی است.

رضا امیرخانی هم در بخشی از این جشن با یادآوری نحوه آشنایی‌اش با باباخانی گفت: کسی که کتاب ابن‌عربی بخواند، عارف نمی‌شود. از کتاب ویولن‌زن روی پل هم انتظار نداشته باشید که یک مسافر را به آخر خط برساند. ویولن‌زن روی پل برای این است که با دردمندی آدم‌های اطراف‌مان آشنا بشویم.

محمد ناصرزاده از اعضای سابق هیات‌مدیره خانه کتاب هم در این جلسه حضور داشت و به ارزش ادبی کتاب اشاره کرد: واقعی بودن کتاب، چیزی به ادبیات نمی‌افزاید. این کتاب، فارغ از واقعیتش، ادبیات خوبی دارد که ماندگارش می‌کند. ارزش این کتاب در ادبیات است و کیفیت ادبیات، نسبتی با واقعیت ندارد. کتاب ویولن‌زن روی پل جزئیات را به‌خوبی گفته و شخصیت‌پردازی خوبی دارد و از این جهت، آن را تحسین می‌کنم.

کتابی نادر در ادبیات ایران

حبیب احمدزاده، نویسنده، کارگردان و فیلمسازی که در بحث فعالیت‌های اجتماعی هم نقش پررنگی دارد ضمن تقدیر از باباخانی اظهار کرد: گمشده جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در کتاب ویولن‌زن روی پل جست‌وجو کرد و دید. در این کتاب تجربیات انسان‌هایی بیان شده که زندگی سختی را تجربه کرده و بازگشته‌اند و این تجربیات حلقه گمشده این روزهای کشور است. کتاب